



10.48315/QGL.2025.475748.1138

فصلنامه «دولت و حقوق»، سال ششم، شماره دوم (پیاپی ۲۰)، تابستان ۱۴۰۴، صص. ۹۸-۸۳

## آسیب‌شناسی تعلیق حبس در جرم اختلاس به مثابه شرط ارفاقی

\* عباس عسگری

\*\* مهدی رحمانی

\*\*\* امیرحسین شکیب‌راد

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

### چکیده

در جرم اختلاس همانند جرم خیانت در امانت، مال موضوع جرم به مجرم سپرده می‌شود اما با توجه به جایگاه ویژه این جرم و اثر آن بر روی افکار و آسایش عمومی، مجازات آن از سایر جرایم مشابه سنگین‌تر است. علی‌رغم اهمیت ویژه این جرم قانون‌گذار طی تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ شرایط ارفاقی خاصی برای این جرم تأسیس نمود که نسبت به سایر جرایم مشابه بی‌سابقه است. از جمله شرایط ارفاقی این است که چنانچه متهم تا قبل از صدور کیفرخواست تمام مبلغ مورد اختلاس را مسترد نماید، مجازات حبس او تعلیق خواهد شد. با عنایت به نظریه‌گزینش عقلانی و با توجه به اینکه جرم اختلاس در زمره جرایم یقه‌سفیدان بوده و با تکیه بر هوش خاص این افراد ارتکاب یافته، رویکرد ارفاقی موجود، موجب ترغیب به ارتکاب این جرم خواهد شد و علاوه بر آن، با توجه به تورم موجود در اقتصاد ایران و عدم تأثیر این تورم در خصوص مال مورد استرداد برای بهره‌مندی از تخفیف بیان شده، جملگی باعث تشویق افراد به سمت ارتکاب جرم اختلاس خواهد شد. در این نوشتار با بررسی توصیفی - تحلیلی و رجوع به منابع معتبر کتابخانه‌ای، جهت جلوگیری از این آسیب پیشنهاد شده است که شرایط ارفاقی مزبور حذف یا با عنایت به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی منسوخ اعلام گردد و در صورت اصرار بر ابقای این شرایط، بایسته است میزان مال مورد استرداد با توجه به نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی افزایش یابد.

### واژگان کلیدی

اختلاس، تعلیق مجازات، شرایط ارفاقی، جرایم اقتصادی.

\* دکتری تخصصی فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

abbas.asgari1370@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mahdir1212@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

amirhosseinshakibrad@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

## مقدمه

نقض هنجارها و ارزش‌ها در هر جامعه با توجه به میزان اهمیت آن هنجار و ارزش، واکنش مناسبی را طلب می‌کند. اهمیت هنجارها و ارزش‌ها با توجه به آسیبی که نقض آن به جامعه وارد می‌کند، متفاوت است. در مواردی نقض یک ارزش صرفاً به یک فرد آسیب می‌زند و در برخی موارد یک جامعه متضرر می‌شود. در برخی از موارد، آسیب ناشی از نقض یک هنجار می‌تواند به راحتی جبران شود ولی در برخی از موارد جبران این امر غیر ممکن یا زمان‌بر است.

جرم اختلاس به واسطه‌ی ویژگی‌های منحصر به فرد خود همواره به عنوان یکی از مهمترین موارد نقض ارزش‌های اجتماعی مورد توجه حقوقدانان بوده و در اکثر کشورها ضمانت اجرای کیفی سنگینی برای آن در نظر گرفته شده است.<sup>۱</sup> یکی از ویژگی‌های این جرم آن است که هم مرتکب و هم موضوع جرم رابطه مستقیمی با حاکمیت دارد و از همین رو شاید کمتر جرمی را بتوان یافت که به این میزان با اعتماد جامعه رابطه مستقیم داشته باشد و به عبارت دیگر کمتر جرمی است که با حصول آن تا این میزان اعتماد ملی دستخوش تغییر شده و آرامش روانی جامعه به هم بریزد.

میزان ارتکاب جرم اختلاس تا حدود زیادی به نوع فعالیت‌های اقتصادی جوامع ارتباط دارد از همین رو می‌توان گفت «با افزایش دامنه تصدی‌گری دولت در حوزه‌های مختلف، به ویژه در فعالیت‌های اقتصادی، می‌توان انتظار داشت حجم ارتکاب اختلاس نیز افزایش یابد. بر این اساس و علی‌رغم این واقعیت که ماهیت اختلاس مبتنی بر پنهان‌کاری است و مراجع مرتبط نیز تمایل چندانی به اعلام ارقام دقیق تمامی موارد مکشوفه ارتکاب این جرم ندارند، می‌توان حدس زد که در ایران نیز، جرم اختلاس، جرم چندان نادری نباشد.» (صبوری‌پور، ۱۳۹۸: ۳۹).

با عنایت به متن ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۰۹/۱۵ (اصلاحی ۱۴۰۳/۰۳/۰۳)<sup>۲</sup> قانون‌گذار ایران در تبصره ۳ ماده فوق‌الذکر شرط ارفاقی

۱. در حقوق فرانسه مجازات اختلاس صرفاً در یک حالت ساده، ۱۰ سال حبس و ۱۵۰ هزار یورو جزای نقدی می‌باشد. در حقوق چین و ویتنام به شرطی که دادگاه جرم شخص را به اندازه کافی جدی و دارای اثرات منفی تلقی کند، مجازات اختلاس اعدام می‌باشد. در حقوق هند در مواردی که مجازات اختلاس در حوزه شغلی کارمند دولت باشد حبس ابد در پیش دارد.

۲. «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها و یا شوراها و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و دارندگان پایه قضائی و بطور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیررسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام یا اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است بفتح خود یا دیگری برداشت و

خاصی را برای مرتکبان جرم اختلاس بیان نموده است که مطابق آن: «هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می‌نماید و اجرای مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجرا خواهد شد.» این شرایط ارفاقی به همراه خود مزیت‌ها و معایب متعددی را به همراه داشته است که هر کدام از این موارد باید به صورت مفصل بررسی و آسیب‌شناسی شده و در صورت نیاز نسبت به حذف یا اصلاح آن اقدام شود.

در این نوشتار سعی شده است تا با بررسی جرم اختلاس در قوانین موضوعه و نقد فرایند رسیدگی به این جرم در حقوق کیفری ایران و با رویکردی آسیب‌شناسانه نسبت به قوانین و شرایط ارفاقی موجود در خصوص رسیدگی به این جرم و به روش کتابخانه‌ای نسبت به بازنگری و اصلاح قوانین موجود اقدام گردد تا گامی هرچند کوچک در جهت اعتلای نظام حقوقی و کیفری کشور برداشته شود. نکته‌ای که این نوشتار را از سایر آثار متمایز می‌کند، آسیب‌شناسی و بررسی شرایط ارفاقی در رسیدگی به این جرم است که در تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری نسبت به رد مال قبل از صدور کیفرخواست بیان شده و این امر در هیچ یک از آثار بدین نحو و با نگاهی اصلاحی و آسیب‌شناسانه بررسی نشده است.

#### ۱- بررسی جرم اختلاس در قوانین موضوعه ایران

برای بررسی شرایط ارفاقی موجود در جرم اختلاس و بررسی آسیب‌شناسانه‌ی این امر در حقوق کیفری ایران، در وهله اول باید نسبت به تبیین جرم اختلاس اقدام نموده و در همین راستا بررسی تبیین مفهومی، تاریخیچه تاسیس این جرم در قوانین موضوعه ایران، اهمیت و جایگاه این جرم با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با سایر جرایم دیگر مورد توجه است که هر یک از این موارد به صورت مجزا تبیین خواهند شد.

#### ۱-۱- تبیین مفهومی و تاریخیچه جرم اختلاس در قوانین موضوعه ایران

اختلاس از ریشه «خ ل س» است که مصدر باب افتعال می‌باشد. اسم مصدر اختلاس «خلسه» به معنای فرصت مناسب است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۳: ۹۹۳). معنای لغوی واژه اختلاس در

---

تصاحب نماید مختلس محسوب و بترتیب زیر مجازات خواهد شد. در صورتیکه میزان اختلاس تا ۶۴.۰۰۰.۰۰۰ ریال باشد مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.»

لغت‌نامه‌های مختلفی بیان شده است که چند نمونه از آن‌ها به شرح ذیل است: اختلاس به معنای استلاب «خلستُ الشیء اذا استلبته، اختلاس کردم شیء را هنگامی که سلب کردم آن را»؛ «بدست آوردن با حيله و نیرنگ و عجله و قاپیدن»، «مالی را بوسیله دزدی و ستم بدست آوردن» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶: ۶۵)؛ «گرفتن سریع مال دیگری همراه با غفلت صاحب آن» (طریحی، ۱۳۶۲، ۶۷۹)؛ «اختلاس کلمه‌ای عربی و به معنای ربودن و زود ربودن و سلب کردن می‌باشد و برداشتن چیزی از روی دیگری است» (عمید، ۱۳۹۰، ج ۳۸: ۱۱۴؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه اختلاس) (مقدادی داودی، ۱۳۹۶: ۱۳۶-۱۵۰).

اختلاس نزد فقهای متقدم به معنای ربودن آشکار مال از غیر حرز است (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۲۲؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲: ۵۵۴؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۵۱۲) و نزد برخی از فقهای متأخر به معنای ربودن پنهانی مال از غیر حرز است (اصفهان‌ی، ۱۴۱۶، ج ۱۰: ۶۴۷؛ حائری، ۱۴۱۸، ج ۱۶: ۱۶۶؛ تبریزی، ۱۴۱۷: ۴۰۵). همان‌طور که مشاهده می‌شود اختلاس در فقه معنایی متفاوت با اختلاس در قوانین فعلی دارد و بیشتر بحث آن در خصوص آشکار یا پنهان بودن و یا در حرز بودن یا نبودن مال است (غفاری چراتی، صالح، ۱۴۰۰: ۲۲۹).

برای درک بهتر معنای جرم اختلاس در قوانین فعلی، باید نگاهی کوتاه نسبت به تاریخچه این جرم در قوانین موضوعه ایران داشت. در ایران تا پیش از انقلاب مشروطیت، قوانین مدونی وجود نداشت و جهت رفع اختلافات از مقررات و احکام اسلامی استفاده می‌شد؛ برای برطرف نمودن خصومت‌ها و کیفر بزهکاران نیز حکام و قضات به میل و اراده خود به شکایت‌ها رسیدگی نموده، رویه قضایی خاصی وجود نداشت و کیفرها غیر متناسب و معمولاً ظالمانه بود (نوری هادی، ۱۳۹۸: ۱۶۶).

برای اولین بار اختلاس در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ جرم‌انگاری شد که مطابق این ماده: «هر یک از تحصیلداران و معاونین آنها و امانت‌داران و محاسبین امانت‌صندوق دولتی که نقدینه متعلق به دولت یا اشخاص یا اسناد و مطالبات که بمنزله نقدینه است یا اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله را که برحسب وظیفه سپرده به آنها است اختلاس یا هر تصرف غیرقانونی نماید بعلاوه رد مال و تأدیه غرامتی معادل ضعف مال محکوم بانفصال از خدمت دولت از یک تاده سال خواهند گردید.» این ماده در تاریخ ۱۳۵۵/۲/۲۲ بدین شرح اصلاح شد: «هر یک از اشخاص مذکور در ماده ۲ قانون تشکیل دیوان کیفر و جوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات مندرج در آن ماده یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده است برفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب کرده یا عمداً تلف نماید مختلس محسوب و بترتیب زیر مجازات خواهد شد: در صورتیکه میزان اختلاس تا پنج هزار ریال باشد مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس جنحه‌ای و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده

سال حبس جنایی درجه ۲ و انفصال دائم از خدمت محکوم می‌شود و در هر دو مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن نیز محکوم خواهد شد.<sup>۱</sup>

با تصویب قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ و تدوین ماده ۷۵ این قانون که بیان می‌دارد: «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیر رسمی و دیوان محاسبات عمومی و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند، و دارندگان پایه‌های قضائی، وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است بِنفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کرده بعنوان مختلس علاوه بر مجازات مقرر اداری و رد وجه یا مال مورد اختلاس به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم می‌شود.»، کلیه قوانین مرتبط با جرم اختلاس در قوانین موضوعه نسخ شد.<sup>۱</sup>

با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹ برخی جرایم همچون اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری افزایش چشم‌گیری پیدا کرد (بهره‌مند بگ‌نظر، ۱۳۹۶: ۶۶). از همین روی در سال ۱۳۶۴ دولت وقت لایحه‌ای برای تشدید مجازات این جرایم به مجلس تقدیم کرد که با عنایت به ایرادات شورای نگهبان این قانون به تصویب نرسید. در نهایت در سال ۱۳۶۷ با توجه به اصرار مجلس، این موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح و در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۵ به تصویب رسید. قانون‌گذار در ماده ۵ این قانون که در تاریخ ۱۴۰۳/۳/۳۰ نیز نصاب‌های موجود در آن اصلاح شده، بیان می‌دارد: «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها و یا شوراهای و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و دارندگان پایه قضائی و بطور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیررسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام یا اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است بِنفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و بترتیب زیر مجازات خواهد شد. در صورتیکه میزان اختلاس تا ۶۴.۰۰۰.۰۰۰ ریال باشد مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال

۱. به‌موجب این ماده کلیه قوانین مرتبط با اختلاس از جمله ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی و همچنین ماده ۴۰۰ قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۱۸ نسخ ضمنی شدند؛ شایان ذکر است که به‌جهت دوری از اطناب و با توجه به عدم موضوعیت اختلاس نظامیان از بیان تاریخچه مرتبط با آنان اجتناب شده است.

مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می شود.» همان‌طور که مشاهده می شود در هیچ‌یک از قوانین گذشته هیچ‌گونه شرایط ارفاقی برای مختلسین در نظر گرفته نشده، اما قانون‌گذار در هنگام تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری در تبصره ۳ ماده ۵ این قانون یک شرط ارفاقی بدین شرح ایجاد نموده است: «هرگاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می نماید و اجراء مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجراء خواهد شد.» معافیت از جزای نقدی و همچنین تعلیق اجرای حبس این ماده اجباری است و چنانچه متهم قبل از صدور کیفرخواست تمام مبلغ اختلاس شده را مسترد نماید، از این شرایط ارفاقی بهره‌مند خواهد شد.

#### ۱-۲- تبیین حقوقی جرم اختلاس

با عنایت به این که در جرم اختلاس مال موضوع جرم به مرتکب امانت داده شده، ماهیت این جرم بسیار شبیه به جرم خیانت در امانت است (صوری‌پور، ۱۳۹۸: ۳۹). از همین روست که برخی از حقوقدانان بیان داشته‌اند: «اختلاس بر عملی اطلاق می شود که کاشف از نیت مرتکب در تغییر دادن نحوه تصرف در مال سپرده شده به او باشد؛ یعنی تغییر تصرف ناقص به تصرف کامل که از آن به نیت تملک تعبیر می شود.» (حبیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۴۳). به عبارت بهتر می توان گفت با توجه به تاریخچه ذکر شده در قسمت قبل در واقع جرم خیانت در امانتی که توسط کارمندان دولتی اتفاق می افتد، به دو جرم اختلاس و تصرف غیرقانونی تقسیم می شود. این دو جرم در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ ابتدا در ماده ۱۵۲ به صورت توأمان ذکر شدند و در نهایت در اصلاح قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۵ از یکدیگر منفک شده و در دو ماده ۱۵۲ و ۱۵۳ به صورت مجزا بیان شدند. با عنایت به میزان مجازات جرم اختلاس و جرم تصرف غیرقانونی شاید بتوان گفت که هدف از این تفکیک، تشدید مجازات اختلاس است؛ زیرا در جرم تصرف غیرقانونی فرد بدون تصاحب مال صرفاً آن را در غیر مورد خود مصرف نموده یا بر اثر اهمال و کوتاهی آن را نابود کرده، اما در جرم اختلاس فرد آن مال را تصاحب یا به‌عمد آن را نابود نموده است که طبیعتاً مستحق مجازات بیشتری نسبت به فرد اول می باشد.

در خصوص علت شدیدتر بودن مجازات اختلاس نسبت به سایر جرایم بیان شده است: «در حقوق نوین، سیاست کیفری تمایل دارد که از اموال دولتی حمایت بیشتری نسبت به اموال خصوصی به عمل آورد؛ به همین منظور تخریب، سرقت و خیانت در اموال دولتی متضمن مجازات سنگین‌تری در برابر جرایم مذکور نسبت به اموال شخصی و خصوصی است و چنین قلمداد می شود که تجاوز به اموال عمومی (حداقل در برخی از مصادیق نظیر اختلاس) علاوه بر لطمه به

مالکیت، متضمن سلب اطمینان شهروندان از قوای حاکمه و در نتیجه تهدیدی علیه آسایش عمومی است. به همین جهت، اختلاس را به دو اعتبار می‌توان در دو گروه از جرایم قرار داد: به اعتبار موضوع جرم در طبقه‌بندی جرایم علیه اموال و مالکیت و به اعتبار بزه دیده و آثار جرم، در زمره جرایم علیه آسایش عمومی.» (میری لواسانی و قربانزاده، ۱۴۰۱: ۱۶۸).

## ۲- نقد شرایط ارفاقی موجود در رسیدگی به جرم اختلاس

با عنایت به موارد معنونه در قسمت قبل باید به این نکته پرداخته شود که چرا علی‌رغم اهمیت جرم اختلاس نسبت به سایر جرایم، چنین جرمی با شرایط ارفاقی مندرج در تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری همراه بوده اما سایر جرایم مانند جرم خیانت در امانت که شکل خفیف‌تری نسبت به جرم اختلاس می‌باشد، از این شرایط بی‌بهره است.

### ۲-۱- بررسی ماهیت شرایط ارفاقی جرم اختلاس

همان‌طور که در قسمت‌های قبل بیان شد، شرایط ارفاقی جرم اختلاس برای اولین بار در سال ۱۳۶۷ و با تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری و به‌موجب تبصره ۳ ماده ۵ این قانون تأسیس شد. در خصوص حکمت ایجاد چنین شرایطی بیان شده است که: «چنین رویکردی می‌تواند نوعی سیاست تشویقی برای برگرداندن پول به بیت‌المال محسوب گردد و بر همین اساس است که می‌توان گفت شخصیت پرداخت‌کننده مهم نیست.» (آقای‌نیا، ۱۳۹۷: ۳۳۴). شاید بتوان این اقدام قانون‌گذار را تا حدودی شبیه به مقوله معامله‌اتهام دانست؛ زیرا در این رویکرد نیز همانند معامله‌اتهام نگاه اقتصادی به فرایند رسیدگی وجود دارد و از طرفی رد مال از سوی مرتکب قبل از صدور کیفرخواست به‌نوعی اقرار و کوتاه کردن فرایند تحقیق و رسیدگی به حساب آمده و این موارد از ارکان معامله‌اتهام است (حیدری، ۱۳۹۵: ۴۱). در توجیه معامله‌اتهام آمده است: «ادارسی کیفری درست مثل یک بازار عمل می‌کند، دادستان‌ها در عین اینکه به دنبال عملی کردن بازدارندگی و سایر اهداف نظام عدالت کیفری هستند، با محدودیت منابع و امکانات هم مواجه‌اند، آن‌ها قادر به تعقیب همه پرونده‌های موجود و سوق دادن تمام پرونده‌ها به سوی یک محاکمه کامل نیستند. در چنین شرایطی، آزادی مطلق دادستان‌ها به آنان امکان‌پذیر است از میان پرونده‌ها را می‌دهد و آنان می‌توانند تعدادی از پرونده‌ها را براساس معیارهایی که در ذهن دارند به طریقی غیر از محاکمه حل و فصل نمایند» (Esterbrook, 1983, 299). همان‌طور که مشاهده می‌شود تا حدودی این شرایط ارفاقی به معامله‌اتهام شباهت دارد اما

۱. Plea Bargaining. به معامله‌ای که در نظام کامن‌لا میان دادستان و فرد متهم وجود دارد معامله‌اتهام گفته می‌شود.

طبیعتاً تفاوت‌های عدیده‌ای میان این دو نهاد وجود دارد که به تفاوت‌های اساسی میان دو نظام حقوقی مرتبط است و لیکن روح حاکم و انگیزه نهایی آن‌ها تا حدودی به هم شباهت دارند.

## ۲-۲- بررسی معایب شرایط ارفاقی جرم اختلاس

همان‌طور که در قسمت قبل نیز اشاره شد، شرایط ارفاقی مندرج در جرم اختلاس مزایایی از قبیل بازگشت سریعتر مال موضوع جرم به بیت‌المال و کوتاه نمودن فرایند تحقیق با تشویق متهم به اقرار از طریق بازگرداندن مال قبل از صدور کیفرخواست را به همراه دارد. علی‌رغم وجود این مزایا، معایبی در این شرایط موجود است که برای داشتن نگاهی جامع باید به آن‌ها نیز توجه شود.

## ۲-۲-۱- توغیب افراد به ارتکاب جرم اختلاس

از منظر جرم‌شناختی، جرم اختلاس در زمره جرایم یقه‌سفید<sup>۱</sup> قرار دارد. اصطلاح جرم یقه‌سفید نخستین بار توسط ادوین ساترلند<sup>۲</sup> در سال ۱۹۳۹ میلادی بیان شد. وی این اصطلاح را به‌عنوان «جرم ارتكابی توسط شخص قابل احترام و دارای موقعیت اجتماعی بالا با استفاده از وضعیت شغلی خود» تعریف نموده است (Sutherland, 1983: 7). همچنین بیان شده است که این جرایم توسط «طبقه‌ی بالای جامعه» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۲۹۲) و نخبگان اقتصادی ارتکاب می‌یابد (گسن، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

علاوه بر این نکته نظریه انتخاب عقلانی<sup>۳</sup> رونالد کلارک<sup>۴</sup> برای درک هرچه بهتر ارتکاب جرم اختلاس اهمیت دارد. این نظریه بیان می‌دارد که «انسان قدرت و توانایی انتخاب آزادانه رفتارهایش را دارد و قبل از ارتکاب رفتار مجرمانه، منافع و هزینه‌های آن را سنجیده و در صورتی که منافع ناشی از جرم بیشتر از هزینه‌های آن باشد، مرتکب جرم می‌شود. در اندیشه‌های حقوق‌دانان کلاسیک چون سزار بکاریا و جرمی بنتام نیز این دیدگاه وجود دارد و آن‌ها بر نقش مجازات به‌عنوان عامل تأثیرگذار در انتخاب فرد و ایجادکننده اثر بازدارندگی تأکید داشتند.» (پاک‌نهاد، ۱۳۹۹: ۲۴۹).

همان‌طور که گذشت، جرم اختلاس معمولاً توسط افراد باهوش صورت می‌گیرد و با توجه به نظریه انتخاب عقلانی باید دید که آیا شرایط ارفاقی موجود در این جرم کفه ترازوی حسابگری را بیشتر به‌سمت ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم سنگین می‌نماید؟ با توجه به اینکه جرم اختلاس توسط کارمندان دولتی صورت می‌گیرد، باید این نکته را در نظر داشت که معمولاً این افراد از حقوق

1. White collar crimes  
2. Edvin Sutherland  
3. Rational Choice Theory  
4. Ronald Clarke

متعارفی برخوردار هستند؛ بنابراین زمانی جرم اختلاس صورت می‌گیرد که مبلغ قابل توجهی در دسترس آنان باشد. زمانی که یک کارمند با چنین مبلغی مواجه می‌شود، مجازات جرم اختلاس را در نظر می‌گیرد که با عنایت به ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (اصلاحی ۱۴۰۳) چنانچه مبلغ مال مورد اختلاس شش میلیون و چهارصد هزار تومان باشد، شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت دارد و چنانچه بیش از این مبلغ باشد مرتکب به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم محکوم خواهد شد. با توجه به اوضاع و احوال مالی و اقتصادی کشور می‌توان گفت که در اکثر مواقع مبلغ مورد اختلاس از سقف شش میلیون و چهارصد هزار تومان بیشتر خواهد بود و فرد مردد، زمانی که می‌خواهد مجازات اختلاس را در نظر بگیرد، با یک ضمانت اجرای سنگین به نام حبس درجه ۴ و انفصال دائم از خدمات دولتی روبه‌رو خواهد بود و این امر تا حدود زیادی موجب انصراف او از ارتکاب جرم می‌شود.

نکته‌ای که در این میان باعث ترغیب فرد مردد نسبت به ارتکاب جرم می‌شود، شرایط ارفاقی موجود در تبصره ۳ ماده فوق است؛ مطابق این تبصره چنانچه فرد تا قبل از صدور کیفرخواست تمام مبلغ مورد اختلاس را مسترد نماید، کلیه مجازات حبس او اجباراً تعلیق خواهد شد. همین امر سبب می‌شود که چنین فردی با عقل حسابگر خود و با عنایت به شرایط اقتصادی و تورمی کشور به این موضوع بیندیشد که چنانچه امروز اختلاس کنم، چند حالت ممکن است اتفاق بیفتد: ممکن است این موضوع هیچ‌وقت آشکار نشود (به هر دلیلی از جمله تبحر آن شخص یا به جهت خلأهای موجود در سیستم اداری و مالی برخی از ارگان‌ها و برخی بودجه‌های خاص که محل هزینه کرد آن به صورت واضح مشخص نشده، مانند بودجه‌های فرهنگی و...) یا ممکن است روزی آشکار شود. در صورت آشکار نشدن که هیچ مجازاتی در انتظار او نخواهد بود اما در صورت آشکار شدن نیز او این تفکر را نزد خود می‌پروراند که با مسترد نمودن مال مورد اختلاس از کیفر حبس به راحتی عبور خواهد کرد. از طرفی با توجه به وضعیت اقتصادی و تورم موجود یقیناً مبلغ سال‌های بعد به هیچ عنوان ارزش فعلی خود را نخواهد داشت و با سود ناشی از این تورم و افت ارزش پول، شخص مجرم می‌تواند مجازات انفصال از خدمات دولتی را نیز پوشش دهد و به عبارت بهتر، سود حاصل از سنوات آینده را یک شبه و از طریق کاهش ارزش پول به دست آورد.<sup>۱</sup>

طبیعتاً این عملیات در ذهن هر فردی که قصد ارتکاب جرم را داشته باشد، اتفاق خواهد افتاد و این موضوع ترغیب‌کننده افراد برای انجام چنین جرمی است که در نتیجه یکی از آسیب‌های

۱. در پرونده ۱۴۰۲۶۸۹۲۰۰۴۸۷۸۹۲۰ متهم قبل از صدور کیفرخواست، چند میلیارد مبلغ مورد اختلاس خود را که پنج سال قبل آن را اخذ نموده بود، بازگرداند و علاوه بر معاف شدن از پرداخت کامل جزای نقدی، صرفاً به پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم گردید و حبس او نیز تعلیق شد.

موجود در این شرایط ارفاقی همین ترغیب و تشویق است.

## ۲-۲-۲- سبک انگاری جرم اختلاس

همانطور که در قسمت‌های قبل بیان شد، جرم اختلاس از لحاظ شکل ارتکاب جرم، همانند جرم خیانت در امانت است اما به دلیل اهمیت این جرم با توجه به ویژگی‌های بیان شده جایگاه بالاتری نسبت به سایر آن‌ها دارد. در خصوص طبقه‌بندی این جرم بیان شده است که به اعتبار موضوع جرم، در دسته جرایم علیه اموال و به اعتبار آثار جرم، در زمره جرایم علیه آسایش عمومی قرار دارد (میری لواسانی و قربانزاده، ۱۴۰۱: ۱۶۸). یکی از ابزارهای سنجش اهمیت و جایگاه هر یک از جرایم، میزان مجازات آن‌ها است؛ به عبارت دیگر قانون‌گذار، جرایم مختلف را با توجه به میزان اهمیت آن‌ها جرم‌انگاری کرده و به جرایم با اهمیت‌تر مجازات‌های شدیدتری وضع می‌نماید. در همین راستا قانون‌گذار ایران برای جرم اختلاس مجازات شدیدتری نسبت به سایر جرایم مشابه مانند خیانت در امانت و تصرف غیرقانونی وضع نموده است. اما نکته حائز اهمیت این است که علی‌رغم جایگاه جرم اختلاس نسبت به سایر جرایم، چرا صرفاً برای این جرم چنین شرایط ارفاقی در نظر گرفته شده است؛ آن هم در صورتی که مطابق ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی کلیه جرایم اقتصادی که موضوع آن‌ها بیش از ۱۴ میلیارد ریال است، غیر قابل تعویق و تعلیق می‌باشند؟

شاید پاسخ این سؤال در رویکرد مک‌دونالدی کردن عدالت کیفری نهفته باشد. از دیدگاه جرج ریتزر<sup>۱</sup> جامعه‌شناس آمریکایی، مک‌دونالدی کردن فرایندی است که رستوران‌های زنجیره‌ای مک‌دونالد در آن در حال گسترش هستند (Ritzer, 2004: p.1). این رویکرد ویژگی‌های متنوعی دارد اما ویژگی مورد اشاره آن، این است که «عدالت کیفری مک‌دونالدی شده قابلیت خرید و فروش دارد. در عدالت کیفری مطلق، عدالت در مقابل هیچ کالایی قابل داد و ستد نیست، اما عدالت کیفری زمینی شده را می‌توان داد و ستد کرد، به معامله پایاپای گذاشت و برای کاهش جمعیت کیفری زندان و تأمین هزینه‌های اجرای عدالت کیفری یا افزایش میزان قطعیت نتایج احکام کیفری، آن را مورد معامله قرار داد.» (غلامی و بابایی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). شاید بتوان به صورت خلاصه گفت که در رویکرد مک‌دونالدی عدالت کیفری نگاه به جرم به مثابه نگاه به یک جنس است و صرفاً برای رفع آن به صورت سطحی با آن رفتار می‌شود و می‌توان مجازات آن جرم را نیز معامله نمود. این رویکرد مورد اعتراض خود مردم آمریکا واقع شده و بسیاری از مردم به دنبال یافتن راه‌های جایگزین برای آن هستند (Governor's Commission, 2002: p.199).

نگارندگان این نوشتار به هیچ عنوان منکر رویکردهای صحیح حقوق کامن‌لا و مزایای موجود

1. George Ritzer

در این نظام حقوقی مانند معامله اتهام نیستند، اما نکته‌ی مورد نظر این است که هر یک از این موارد خالی از اشکال و نقاط ضعف نیستند و برای بهره‌مندی از آن‌ها بهتر است ابتدا به رفع این موارد پرداخته و سپس نسبت به استفاده از آن‌ها پرداخته شود. در موضوع ما نحن فیه با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه اختلاس، شاید این شرایط ارفاقی به سبک جلوه دادن این جرم در نزد مردم منتج شود و به عبارت بهتر با ایجاد چنین شرایط ارفاقی برای این جرم و عدم اعمال آن برای سایر جرایم، جایگاه و شدت این جرم کاهش پیدا نموده که این امر مذموم است.

### ۳- راهکارهای اصلاح فرایند رسیدگی به جرم اختلاس

با عنایت به موارد آسیب‌شناسی شده در قسمت قبل، نوبت آن است که راهکاری عملی جهت برون‌رفت از این موارد بیان شود. این موارد به‌صورت کلی به دو صورت حذف تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری یا اصلاح این تبصره تقسیم می‌شود که در قسمت بعد بدان پرداخته خواهد شد.

#### ۳-۱- حذف یا منسوخ اعلام نمودن شرایط ارفاقی از طریق صدور استفساریه

در رویه قضایی فعلی مطابق تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری افرادی که تا قبل از صدور کیفرخواست مال مورد اختلاس اعلامی را مسترد کنند، از مجازات حبس تعلیق خواهند شد. برای برون‌رفت از معایب ذکر شده در قسمت‌های قبل و برای جلوگیری از ترغیب افراد به ارتکاب جرم اختلاس، می‌توان این شرایط ارفاقی را حذف نمود. همچنین می‌توان با توجه به دیدگاهی که قائل به نسخ این تبصره است، با صدور استفساریه‌ای توسط مجلس شورای اسلامی، این مورد را به‌صورت رسمی منسوخ اعلام کرد. در خصوص منسوخ نبودن تبصره ۳ ماده ۵ به‌صورت کلی دو دلیل بیان شده که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

#### ۳-۱-۱- قوانین مصوب مجلس ناسخ قوانین مجمع تشخیص نیستند

با توجه به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی که بیان می‌دارد: «صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرایم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست: ... ج) جرایم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال»، کلیه مجازات‌های جرایم اقتصادی مندرج در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی که موضوع آن‌ها چهارده میلیارد ریال باشد، غیر قابل تعلیق و تعویق است. با توجه به این که جرم اختلاس در بند ب این تبصره ذکر شده، این پرسش پیش می‌آید که آیا این مقرر ناسخ تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید هست یا خیر؟ یکی از دلایلی که در خصوص عدم نسخ تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید بیان شده، مرجع

تصویب این قانون است. به عبارت دیگر با توجه به این که مرجع تصویب قانون تشدید مجازات ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و مرجع تصویب قانون مجازات اسلامی مجلس شورای اسلامی است و با توجه به این که مطابق تفسیر شورای نگهبان<sup>۱</sup> قوانین مصوب مجمع توسط قوانین مصوب مجلس نسخ نمی‌شوند، بنابراین ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی نسخ تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید نیست (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۲۳۷).

در همین راستا نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۲۷۳ مورخ ۱۳۷۳/۱۸۱ بیان می‌دارد: «...ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۰، در بند ۲، مجازات محکومیت به جرایم مندرج در این بند را قابل تعلیق ندانسته است، و چون طبق تفسیر شورای نگهبان مصوبات مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند نسخ مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام باشد، لذا ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی نسخ تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری... نمی‌باشد».

برای رد این دلیل می‌توان به نظر تفسیری شورای نگهبان استمساک نمود. تفسیر شورای نگهبان به شماره ۵۳۱۸ در تاریخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ بیان می‌دارد: «هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بود مجلس پس از گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم له موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.» با عنایت به این تفسیر صرفاً قوانینی که بدو توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده باشد، از طریق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی غیر قابل نسخ است و قوانینی که به جهت حل اختلاف میان شورای نگهبان و مجلس به آن نهاد ارجاع شده باشد، قابل نسخ به وسیله قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی است، پس این دلیل به هیچ عنوان دلیل صحیحی برای عدم نسخ تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید نیست.

### ۳-۱-۲- عام لاحق، خاص مقدم را منسوخ نمی‌کند

یکی دیگر از دلایلی که جهت عدم نسخ تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید بیان می‌شود، آن است که این مقرر خاص مقدم است بنابراین با توجه به مباحث اصولی عام لاحق که همان ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی است، باعث نسخ خاص مقدم نمی‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۲۳۷).

۱. نظریه تفسیری شورای نگهبان شماره ۴۵۷۵ مورخ ۱۳۷۲/۳/۳

نکته‌ای که در این خصوص وجود دارد، آن است که در خصوص مبحث عام لاحق و خاص مقدم دو حالت متصور است. اول اینکه زمان عمل به خاص سابق فرا نرسیده باشد و عام الحاق شود؛ مانند این که گفته شود عالم فاسق را در روز دوشنبه اکرام نکن، سپس روز یکشنبه گفته شود همه علما را اکرام کن. در این صورت هیچ اختلافی نیست که عام لاحق ناسخ خاص مقدم نیست و خاص مقدم مخصص عام لاحق می‌باشد. اما در حالت دوم که زمان عمل به خاص مقدم آغاز شده است و ما با یک حکم عام لاحق مواجه می‌شویم، نمی‌توان به صورت قطعی بر عدم‌النسخ خاص مقدم تصریح کرد و میان علما در این مورد اختلاف وجود دارد. در خصوص موضوع ما نحن فیه نیز همین حالت دوم مجری است.

در این خصوص عده‌ای از علما همچون شیخ طوسی، سید مرتضی و ابن زهره قائل به نسخ خاص مقدم توسط عام لاحق هستند و در خصوص دلیل آنان بیان شده است: «دلیل آقایان این است که عامی که بعد وارد شده، ظهور در عموم دارد و اصله‌العموم در این عام جاری می‌گردد و هیچ‌گونه مانعی در کار نیست که بیاید جلوی اصله‌العموم را بگیرد مگر یک مانع، و آن مانع این است که شاید خاص قبلی مخصص باشد نسبت به این عام و جلوی اصله‌العموم را در این عام بگیرد. ولی خوشبختانه این هم مانع نیست زیرا اساساً فلسفه تقدیم خاص بر عام این است بر یک مبنا که خاص بیان است نسبت به عام، و قرینه است و قرینه بر ذوالقرینه مقدم است و بر مبنای دیگر ظهورش اقوی است از ظهور عام، لذا خاص بر عام مقدم می‌شود و در ما نحن فیه این مسأله منتفی است زیرا نسبت به خاص ما دو احتمال می‌دهیم: ۱. خاص قبلی مخصص عام بعدی باشد. ۲. خاص قبلی منسوخ شده و به وسیله عام بعدی. وقتی هر دو احتمال را داریم، نمی‌توان گفت که خاص حتماً قرینه است و بیان است نسبت به عام و وقتی بیانیت محرز نشد، پس نمی‌توان گفت که خاص مقدم بر عام است، لذا مانعی جلوی اصله‌العموم را نمی‌گیرد (محمدی، ۱۳۹۴: ۳۲۹-۳۳۰).

با عنایت به موارد بیان شده مشخص می‌شود که در خصوص عدم‌النسخ خاص مقدم توسط عام لاحق اختلاف نظر وجود دارد و در مورد موضوع ما نحن فیه نیز می‌توان به نظریه‌های دیگر مراجعه کرد و با توجه به آن‌ها تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید را توسط ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی را منسوخ اعلام نموده و با توجه به ظرفیت تصویب استفساریه توسط مجلس شورای اسلامی این مورد را به صورت رسمی و قانونی بیان نمود.

### ۳-۲- اصلاح شرایط ارفاقی جرم اختلاس با توجه به شاخص تورم بانک مرکزی

همان‌طور که در بخش‌های گذشته بیان شد، مرتکب برای بهره‌مندی از شرایط ارفاقی مندرج در تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید، صرفاً مبلغ مورد اختلاس را بازمی‌گرداند که طبیعتاً این پول با توجه

به گذر زمان و تورم موجود در اقتصاد ایران، ارزش خود را تا حدود زیادی از دست داده است و این امر به عنوان یک مشوق برای ارتکاب جرم اختلاس و بهره‌مندی از سود ناشی از افت ارزش پول در نظر گرفته می‌شود.

برای تنقیح بهتر این موضوع می‌توان به ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی اشاره نمود که مطابق آن: «کلیه مبالغ مذکور در این قانون و سایر قوانین از تاریخ تصویب آنها در مورد تمام جرائم و تخلفات از جمله مجازات نقدی، به تناسب نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیأت وزیران تعدیل و در مورد احکامی که بعد از آن صادر می‌شود، لازم الاجراء می‌گردد.» همان‌طور که مشاهده می‌شود، قانون‌گذار به درستی و با توجه به شناختی که از اوضاع اقتصادی کشور داشته، برای جبران کاهش ارزش پول ملی و کم‌اهمیت نشدن میزان مجازات‌هایی که بر مبنای جزای نقدی می‌باشند، پیشنهاد تعدیل آن‌ها با نرخ تورمی بانک مرکزی را داده است.

با امعان نظر به مطالب فوق، در خصوص شرایط ارفاقی نیز می‌توان چنین اصلاحی را در خصوص این موارد اعمال نمود و به عبارت دیگر برای بهره‌مندی مرتکبان از شرایط ارفاقی مذکور شرط عودت مال مطابق نرخ تورم سنواتی که مال در دست او بوده است را قرار داد. به‌عنوان مثال اگر فردی سال ۱۳۹۵ مبلغ ۱۰ میلیارد تومان اختلاس نموده باشد، موظف است برای بهره‌مندی از شرایط ارفاقی تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید در سال ۱۴۰۰، با توجه به نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی در این پنج سال، مبلغ را مسترد نماید؛ در غیر این صورت شرایط ارفاقی در خصوص او اعمال نخواهد شد.

### نتیجه‌گیری

۱. قانون‌گذار با توجه به میزان اهمیت جرایم، مجازات‌های مختلفی را برای هر یک از آن‌ها وضع می‌کند و هر میزان جرایم با اهمیت‌تر باشد، مجازات‌های شدیدتری برای آن‌ها اعمال خواهد شد. جرم اختلاس گرچه از لحاظ ماهوی و به‌لحاظ موضوع جرم شباهت زیادی با جرم خیانت در امانت دارد اما با عنایت به این که در این جرم آسایش عمومی خدشه‌دار شده و آثار عمیق‌تری نسبت به خیانت در امانت به بار می‌آید، مجازات شدیدتری برای آن اعمال شده است.
۲. علی‌رغم اهمیت جرم اختلاس نسبت به سایر جرایم مشابه، در فرایند رسیدگی به این جرم شرایط ارفاقی خاصی وجود دارد که شاید در کمتر جرایمی چنین شرایطی وجود داشته باشد. مطابق تبصره ۳ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری چنانچه متهم تا قبل از صدور کیفرخواست کلیه مبالغ مورد اختلاس را مسترد نماید، مجازات حبس

او تعلیق خواهد شد.

۳. جرم اختلاس در زمره جرایم یقه‌سفیدان قرار دارد که از جمله ویژگی‌های آنان علاوه بر داشتن موقعیت و جایگاه اجتماعی بالا، بهره‌مندی از هوش نسبتاً بالا است. با عنایت به این موضوع و با توجه به نظریه انتخاب عقلانی، رویکرد ارفاقی موجود در جرم اختلاس می‌تواند به‌عنوان یک عامل ترغیب‌کننده در زمان تردید مرتکب نسبت به انجام جرم ظاهر شود؛ به‌خصوص با توجه به این که در این شرایط هیچ اثر تورمی نسبت به رد مال پیش‌بینی نشده است و فرد مرتکب می‌تواند علاوه بر بهره‌مندی از ارفاق موجود، از کاهش ارزش پول ملی نیز منتفع شود.
۴. باتوجه به این موارد جهت جلوگیری از آسیب‌های ناشی از شرایط ارفاقی جرم اختلاس دو اقدام پیشنهاد می‌شود: اول، حذف این شرایط یا اعلام رسمی نسخ آن توسط استفساریه‌های صادره از مجلس شورای اسلامی با عنایت به ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی. دوم، اصلاح شرایط ارفاقی از طریق افزایش میزان مبلغ مال مورد اختلاس با توجه به نرخ تورم اعلامی توسط بانک مرکزی.

#### کتابنامه

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ه.ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ه.ق). *لسان العرب*. لبنان، بیروت: دارالفکر.
- اصفهانی، محمد بن حسن فاضل هندی (۱۴۱۶ه.ق). *کشف اللثام*. ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- آقایی‌نیا، حسین؛ رستمی، هادی (۱۳۹۷). *حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اموال و مالکیت*. ایران، تهران: انتشارات میزان.
- بهره‌مند، حمید (۱۳۹۶). *آسیب‌شناسی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران*. ایران، تهران: انتشارات مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۹). *دانشنامه جرم‌شناسی نظری*. ایران، تهران: انتشارات میزان.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۱۷ه.ق). *اساس الحدود و التعزیرات*. ایران، قم: دفتر مولف.
- جوهری، ابونصر (۱۴۱۰ه.ق). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*. لبنان، بیروت: دار العلم للملایین.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ منصورآبادی، عباس (۱۳۷۹). *بررسی تطبیقی اختلاس و تصرف غیر قانونی در حقوق کیفری ایران*. مدرس، ۴ (۲).
- حیدری، الهام (۱۳۹۵). *معامله اتهام در حقوق کامن لا و نهادهای نزدیک به آن در دادرسی کیفری ایران*. *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲ (۱).

- دهخدا، اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. ایران، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- صبوری پور، مهدی (۱۳۹۸). *اختلاس*. *دانشنامه جرایم اقتصادی*، به کوشش امیرحسین نیازپور، ایران، تهران: نشر میزان.
- طباطبایی حائری، سید علی (۱۴۱۸ه.ق). *ریاض المسائل*. ایران، قم: موسسه آل بیت.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۶۲). *مجمع البحرین و مطلع النیرین*. ایران، تهران: انتشارات مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. لبنان، بیروت: دار الکتب العربی.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۲). *حقوق جنایی*. ایران، تهران: انتشارات فردوسی.
- عمید، حسن (۱۳۹۰). *فرهنگ فارسی عمید*. ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- غفاری چراتی، صالح؛ رادمان، امین؛ حمزه زاده، بهار؛ غفاری چراتی، مریم (۱۴۰۰). پیشگیری اجتماعی از اختلاس با تأملی در آموزه‌های نهج البلاغه. *مطالعات حقوق بشر اسلامی*، ۱۰ (۲).
- غلامی، حسین؛ بابایی، یوسف (۱۳۸۹). مک دونالدی کردن عدالت کیفری، *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۴ (۷۰).
- گسن، رمون (۱۳۹۳). *جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی (نظریه عمومی تزویر)*. ترجمه شهرام ابراهیمی، ایران، تهران: نشر میزان.
- محمدی، علی (۱۳۹۴). *شرح اصول فقه*. ایران، قم: انتشارات دارالفکر.
- مقدادی داودی، مهدی (۱۳۹۶). *بررسی فقهی حقوقی ماهیت اختلاس*. *فقه و اجتهاد*، ۴ (۷).
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۰). *حقوق کیفری ۱؛ جرایم علیه اموال و مالکیت*. ایران، تهران: نشر میزان.
- میری لواسانی، سمیه سادات؛ قربانزاده، محمد؛ اکبری، بهنام (۱۴۰۱). *بررسی تطبیقی بسترهای ملی و بین‌المللی پیرامون مبارزه با اختلاس*. *فصلنامه علمی پژوهش حقوق کیفری*، ۱۰ (۳۹).
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ بیکی، هاشم (۱۳۹۷). *دانشنامه جرم‌شناسی*. ایران، تهران: انتشارات گنج دانش.
- نوری، هادی (۱۳۹۸). *سیر تحول جرم اختلاس در نظام کیفری ایران*. *فصلنامه بین‌المللی قانون‌یار*، ۳ (۹).
- Sutherland, Edwin (1983). *White Collar Crime: The Uncut Version*. New Haven: Yale University Press.
- Ritzer, G. (2004). *The McDonaldization of society* (Rev. new century ed.). Thousand Oaks, CA: Pine Forge Press.
- Esterbrook, Frank H. (1983). Criminal procedure as a market system. *legal stud*, 12.
- Governor's Commission on Capital Punishment (2002). *State of Illinois*. Retrieved from [www.idoc.state.il.us/ccp/ccp/reports/commission\\_reports.html](http://www.idoc.state.il.us/ccp/ccp/reports/commission_reports.html).